



سال پنجم، شماره ۳، پیاپی ۱۶ پاییز ۱۴۰۱

www.qpjournal.ir

ISSN : 2783-4166

نمود جانوران در شعر فروغ فرخزاد

دکتر یوسف کرمی چمه^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

نوع مقاله: پژوهشی

(از ص ۵ تا ص ۲۵)



[20.1001.1.27834166.1401.5.3.1.5](https://doi.org/10.2001.1.27834166.1401.5.3.1.5)

چکیده

جانوران در ادب فارسی همواره نقش پر رنگی داشته‌اند و شاعران و نویسندگان در زمان‌های گوناگون و بر حسب مقتضیات روزگار به جانوران اشاره کرده‌اند. نمادگرایی در ادبیات معاصر، یکی از ویژگی‌ها و مشخصه‌های بارز شعر شاعران را تشکیل می‌دهد. فروغ فرخزاد از جانوران همچون بسیاری پدیده‌های دیگر بهره گرفته و مطالب خود را بیان کرده است. در اوایل که شخصیت شعری مستقل و خاص وی شکل نگرفته (دفاتر اسیر و دیوار)، تشبیه قدیمی و تکراری شخص (شاعر، عاشق) به مرغ را بسیار ذکر نموده و خود را مرغی اسیر و گرفتار در دام عشق دیده است. به تدریج و در اثر مطالعات و تجربه‌های بیشتر، شخصیت شعری فرخزاد شکل می‌گیرد و در دفترهای شعر بعدی، فروغی دیگر ظاهر می‌شود؛ بدین معنی که اندیشه او دگردیسی یافته و من شخصی وی به من اجتماعی و انسانی مبدل شده است. بر همین اساس نگاه او به جانوران تغییر کرده است و جانوران دیگری نیز نظیر مار، کلاغ، موش و... در شعرش مجال بروز یافته‌اند. در نوشتار پیش‌رو با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی به نشانه‌های آشکار حضور جانوران در شعر فروغ فرخزاد پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: فروغ فرخزاد، جانوران، تمثیل، نماد.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. ykaramicheme@yahoo.com



۱. مقدمه

زندگی انسان در این جهان در ارتباط با طبیعت و پدیده‌های آن است. انسان در طبیعت همسایگانی دارد؛ حیوانات، گیاهان، درختان، پرندگان، کوه‌ها، دریاها و دیگر پدیده‌های طبیعی. در واقع، انسان علاوه بر تعامل با هم‌نوعان خود با جانوران و پدیده‌های طبیعی اطراف خویش نیز تعامل دارد و این همسایگان همواره در زندگی وی نقش داشته‌اند و انسان نیازهای خود را با کمک آنها برآورده می‌کند؛ از این‌روست که طبیعت و پدیده‌هایش همواره برای بشر اهمیت داشته و پدیده‌های گوناگون طبیعی در جوامع مختلف حالت قدسی یافته‌اند. برای مثال می‌توان به قداست گاو نزد هندوها اشاره کرد.

اهمیت و اعتباری که پدیده‌های طبیعی و جانوری در فضای فرهنگی - اجتماعی جوامع مختلف داشته‌اند، در آثاری که از آنها به‌جا مانده قابل‌مشاهده است؛ مثلاً در آثار بازمانده از ایران کهن؛ سرو، شیر، اسب، بز، عقاب، آب و... بیش از همه برجستگی دارند. بسیاری از اسطوره‌ها، افسانه‌ها و دیگر اشکال ادبی، احترام و شیفتگی به حیوانات یا حتی خطر آنها را برای انسان آشکار می‌کند.

در ادب فارسی توجه ویژه‌ای به طبیعت و پدیده‌هایش شده است؛ از روزگاران کهن مناظرهٔ نخل و بز بر جای مانده و سپس حکایت‌های کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه و آثاری دیگر. در این آثار بیشترین توجه به حیوانات و پرندگانی نظیر شغال، شیر، گاو، موش، شتر، کبوتر، مار، پروانه، غراب، بلبل و... شده است که گاه نماد و سمبل قشر خاصی از انسان‌ها هستند، مانند آنچه در کلیله و دمنه و منطق‌الطیر دیده می‌شود و گاهی نیز در تشبیه و توصیف از آنها و خصوصیاتشان استفاده شده است:

من آن مرغم که زیرک بود نامم / به هر دو پای افتاده به دامم

(اسعد گرگانی، ۱۳۴۹: ۳۷۲)

گاهی اوقات این تشبیهات و استعارات آن قدر تکرار شده است که با خواندن آنها در آثار، ذهن به معنای حقیقی آن واژه‌ها توجه نمی‌کند و به سمت مدلول ادبی‌شان سیر می‌کند. مثل سرو (= یار بلندقد)، سگ (= نفس انسانی).

«نسبت‌های ماندگاری در ادبیات ما بجا مانده از آدمی‌واربودن حیوانات که آشکارترین و قدیم‌ترین، داستان‌های بیدپای است آورده‌شده از هند به خواست نوشیروان و رمان بزرگمهر بختگان و کوشش برزویه طبیب و برگردان آن به زبان پهلوی و پس به زبان دری، قرونی بعد از فراگسیختن ساسانیان» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۲: ۲۴۲).



اما برای توجه شاعران و نویسندگان به جانوران دلایلی را می‌توان ذکر کرد:

۱- جانوران جزئی از زندگی مردمان در طول تاریخ بوده و هستند.

۲- ویژگی‌های خاصی که هر جانور دارد، باعث می‌شود شاعران و نویسندگان بر اساس زیبایی‌شناسی خاص خود آن ویژگی‌ها را برجسته کرده و در آثار خود از آن بهره ببرند و نمادپردازی کنند.

۳- شرایط و مقتضیات سیاسی - اجتماعی ایران دوره‌های مختلف، شاعران و نویسندگان را به سمت رمزگویی و مخفی‌گویی کشانده است و بنابراین با استفاده از نمادها و تمثیل‌ها آثار خود را ساخته‌اند. این آثار گاه دربرگیرنده مضامین سیاسی هستند که طبقه حاکمه نمی‌پسندند. در شرایط استبدادی و خفقان البته می‌توان با ترفندهایی سخن گفت. یکی از این ترفندها، حرکت در وادی تمثیل و سخن‌گفتن از زبان جانوران است. شاعران و نویسندگان مسؤلیت‌مدار نبودن آزادی را بهانه‌ای برای طفره‌رفتن از سخن‌گفتن نمی‌کنند و در هر شرایطی حرف خود را می‌زنند. «از روزگاران گذشته مردم از داستان حیوانات و تمثیل برای بیان اندیشه‌های خود بهره می‌بردند. شخصیت حیوانات این داستان‌ها در واقع تصویری مطمئن و مشخص برای بیان خواسته‌ها و انتقاد از قدرتمندان بود.» (سیپک، ۱۳۸۹: ۸۴).

یکی از عوامل صراحت و یا ابهام و ایهام در شعر، سازگاری یا ناسازگاری جهان‌بینی و دیدگاه اجتماعی - سیاسی شاعر با حوادث و مسائل روزمره است. در جو اختناق‌آمیز اجتماعی گاه شاعر مجبور است به ابهام و ایهام گرایش پیدا کند و از این جهت نوع بیان و زبان شعر با شرایط اجتماعی ارتباط تنگاتنگ دارد. علت روی آوردن شاعران دهه سی و چهل و بخشی از پنجاه به بیان نمادین و تمثیلی همین شرایط خاص سیاسی - اجتماعی است. چنان‌که به‌گفته اسلامی‌ندوشن در جوامع بسته که از بام تا شام می‌بایست مواظب زبان خود بود، توسل به ابهام و مجاز و کنایه جزء لوازم سخنگویی به‌شمار می‌آید. (اسلامی‌ندوشن، ۱۳۶۸: ۳۶).

۴- گاهی برای بیان مضامین اخلاقی و اجتماعی که اگر به‌صورت مستقیم گفته شود مردم نمی‌پسندد و واکنش منفی نشان می‌دهند، نمادهای جانوری به‌کار می‌رود. اساساً داستان‌های حیوانات به‌صورت تمثیلی برای عبرت‌دادن یا القای حس اخلاقی در جوامع سنتی استفاده می‌شود. «ایرانی‌ها مانند سایر ملل مشرق زمین به عبارت‌های صریح، به‌جز ضرب‌المثل‌ها علاقه چندانی ندارند. آن‌ها به‌جای موضع‌گیری صریح، حکایتی را در قالب داستان، تمثیل و یا داستان حیوانات ترجیح می‌دهند» (سیپک، ۱۳۸۹: ۶۱).



۵- اقبال و توجه عامهٔ مردم به آثاری که در آنها به جانوران پرداخته شده و آنها را به‌عنوان سخنگویان جوامع انسانی مطرح کرده است.

۲. پیشینه و روش تحقیق

با توجه به اینکه جانوران در بافت فرهنگی - اجتماعی ایران اهمیت ویژه‌ای دارند و نمونه‌های زیادی از بازتاب جانوران در شعر فارسی وجود دارد، در این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوهٔ توصیفی - تحلیلی و براساس توالی انتشار مجموعه‌های شعر، نشانه‌های آشکار حضور جانوران در شعر فروغ فرخزاد بررسی می‌شود. در میان تحقیقات انجام‌شده، اثر مستقلی به‌طور خاص به بررسی نمادهای جانوری در شعر فروغ فرخزاد پرداخته است. در ادامه، مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده ذکر می‌شود.

* در کتاب *اندوه خاک*، نقش محیط زیست در شعر شاعران معاصر، نظیر نیما یوشیج، احمد شاملو، فروغ فرخزاد، منوچهر آتشی و... بررسی شده است. چنان‌که پیداست در این کتاب، محیط زیست به‌صورت کلی مطرح است و توجه صرفاً به جانوران نیست. ضمن اینکه تمرکز تنها بر شعر فروغ فرخزاد نیست.

* در مقالهٔ «*تطبیق جاندارانگاری حیوانی و انسانی در اشعار فروغ فرخزاد و نازک الملائکه*»، پس از بحث مفصل دربارهٔ زندگی، اندیشه و شعر دو شاعر، نموده‌های آنیمیسیم در اشعار آنها ذیل عناوین آنیمیسیم در طبیعت، آنیمیسیم در موجودات زنده، آنیمیسیم در مفاهیم و اشیاء به‌صورت خلاصه ذکر شده است. ذیل آنیمیسیم در موجودات زنده، تنها یک مثال از نمود جانوران در شعر فروغ فرخزاد ذکر شده است. (رجوع کنید به: سلامت نیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۸).

* مقالهٔ «*بررسی تطبیقی کاربرد اسطوره و کهن‌الگو در شعر فروغ فرخزاد و گلرخسار صفی‌آوا (شاعر تاجیک)*»، دربارهٔ نمود جانوران در شعر فروغ فرخزاد است و تنها اشارات کوتاهی به پری و شاپری به‌عنوان موجودات اسطوره‌ای وجود دارد.

* ذوالفقارخانی در مقالهٔ «*زیست‌بوم در شعر فروغ فرخزاد براساس نظریهٔ بوم‌فمینیسم*»، به توجه فروغ به فصول و گردش ایام، گیاه و درخت، عناصر چهارگانه و موجودات زمینی و آسمانی پرداخته شده است.

* در مقالهٔ «*مادگرایی در اشعار فروغ فرخزاد*» در چند دسته به نمادهای شعر فروغ اشاره شده است. این دسته‌ها عبارت‌اند از: نمادهای آرمانی، نمادهای شخصی شاعر، نمادهای آگاهی و پاکی، نمادهای حقیقت و آزادی، نمادهای



امید و روشنایی. نویسندگان همچنین به استفاده فروغ فرخزاد از بیان نمادین برای بیان دغدغه‌های اجتماعی و مسائل شخصی پرداخته‌اند.

* در کتاب *صورخیال در شعر فروغ فرخزاد* درباره تشبیه، استعاره، تشخیص، اسناد مجازی، کنایه و حس آمیزی در شعر فروغ فرخزاد بحث شده و نویسنده بیان کرده که تشبیه در میان انواع صورخیال، بیشترین حجم را در دیوان فروغ فرخزاد به خود اختصاص داده است.

* پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان «نمادشناسی حیوانات در شعر معاصر فارسی با تکیه بر آثار نیمایوشیج، سهراب سپهری، مهدی اخوان ثالث، منوچهر آتشی و محمدرضا شفیعی کدکنی» در دانشگاه محقق اردبیلی و به قلم شیرین لطفی رزی، نوشته شده است؛ اما چنان‌که از عنوان آن پیداست، اشاره‌ای به شعر فروغ فرخزاد ندارد.

۳. بحث اصلی

نماد (symbol) «چیزی است که چیزی دیگر را از طریق قیاس یا تداعی نشان دهد؛ مانند رنگ سفید که معمولاً نماد بی‌گناهی و گل سرخ که نماد زیبایی است.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۸۱). واژه سمبل (symbol) از کلمه یونانی سومبولون (symbolon) به معنی علامت، نشانه و اثر اخذ شده است. (داد، ۱۳۹۰: ۴۹۹). «نمادگرایی یک ابزار دانش و قدیمی‌ترین و اساسی‌ترین روش بیان است. روشی است که جنبه‌های واقعیت را که از دگر روش‌های بیان دور است آشکار می‌سازد.» (کوپر، ۱۳۸۰: ۱۱). هربرت رید معتقد است نمادپردازی «چیزی نیست مگر انتخاب تشبیهاتی برای اندیشه‌های انتزاعی؛ مانند کبوتر به جای صلح» (رید، ۱۳۷۱: ۱۷۸).

پژوهشگران معتقدند که نمادها سه منبع اصلی دارند: طبیعت، آیین‌های ملی و اساطیری، دین و مذهب (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۹۲). نمادها به سه دسته زیر تقسیم می‌شوند:

۱- مرسوم یا شناخته‌شده: که گاهی جهانی هستند مثل غروب که نشانه مرگ است و ریشه در اساطیر دارند مثل زنده در آمدن از آتش که نشانه پاکی و برائت است. شاعران و نویسندگان این نمادها را آگاهانه به کار می‌برند.

۲- ابداعی یا شخصی: برای فهم و دریافت آن‌ها باید به زمینه و اجزای اثر توجه داشت. کلید راه‌یابی به دنیای تفکر و تخیل نویسنده هستند؛ مثلاً نماد کوزه، کوزه‌گر، کارگاه کوزه‌گری در *رباعیات خیام*.

۳- واقعی یا ناآگاهانه: که حاصل عوالم روحی و تجربیات ذهنی خاصی است که برای شاعران و نویسندگان پیش می‌آید. ابهام بیشتری دارند و نیازمند تفسیر هستند. در شعرهای عرفانی از این دست نمادها فراوان است. (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۸۱).



«فروغ فرخزاد از شاعران معاصری است که مهم‌ترین ویژگی شعرش، کاربرد نماد در توصیف دغدغه‌ها و مسائل شخصی و اجتماعی است.» (رحمانیان و عدل‌پرور، ۱۳۹۹: ۱۱۰). فروغ فرخزاد از جانوران همچون بسیاری پدیده‌های دیگر بهره گرفته و مفاهیم خود را بیان کرد. بر اساس تفکر و اندیشه خاصی که فروغ داشت، در هر دفتر جانوران ویژه‌ای را مدنظر قرار داد؛ در دفترهای اول که هنوز عاشق‌پیشه بود و نوجوانی احساساتی از میان جانوران به «مرغ» توجه می‌کند و همچون شاعران ادب کلاسیک خود را مرغی اسیر و گرفتار در دام عشق می‌بیند. البته فروغ حسرت آزادی را می‌خورد و در تشبیه خود به مرغی گرفتار در قفس به این جنبه هم توجه دارد. بر این اساس در دفتر *اسیر* «مرغ» برجستگی دارد. در دفتر *دیوار* باز هم غلبه با پرندگان است.

در دفتر *عصیان* که او به موضوع جبر و اختیار می‌پردازد و به ماجرای خلقت انسان توجه می‌کند و سخن از شیطان می‌گوید و به او نوعی قداست می‌دهد بیشترین توجه شاعر هم به «مار» است. به نقش مار در داستان آدم و حوا باید توجه داشت. البته در دفترهای بعدی و پس از تحولی که در فکر و اندیشه شاعر صورت می‌گیرد و نگاه او از سوی موضوعات تا حدودی پیش‌پافتاده و ساده به سوی موضوعات جدی و مهم سوق می‌یابد و من شخصی او به من اجتماعی و انسانی ارتقا می‌یابد، نوع نگاه او به جانوران هم تغییر می‌کند و جانوران دیگری را هم در شعرش وارد می‌کند.

درواقع نگاه فروغ در سه دفتر اول، نگاهی کلاسیک است و تحت تأثیر اندیشه قدما و بنابراین صور خیال او هم همان صور خیال شاعران کلاسیک است و به‌ندرت ابتکاری در آن دیده می‌شود. ولی در دو دفتر دیگر شاعر، تشخیص می‌یابد و با نگاه خود به پیرامونش می‌نگرد و از این‌رو روابطی هم که میان اشیاء و جانوران و طبیعت و انسان برقرار می‌کند جدید است.

بر این اساس نمادهای سه دفتر اول از نوع نمادهای شناخته‌شده هستند. نمادهای شناخته‌شده را شاعران و نویسندگان خود ابداع نمی‌کنند بلکه آنها را آگاهانه به کار می‌برند. از نمادهای شناخته‌شده این اشعار مرغ است: نماد انسان عاشق یا اسیر. این نماد سابقه طولانی دارد و درک و فهم آن سهل است. ولی در دو دفتر *تولد* دیگر و *ایمان* *بیاوریم* به آغاز فصل سرد شاعر نمادهایی را هم ابداع کرده است؛ مثلاً: پنجره، موش و

اما اینکه تصاویر شاعر در دفترهای *اسیر* و *دیوار* و *عصیان* تقلیدی از تصاویر شاعران کلاسیک است و شاعر به‌ندرت چیزی از خود می‌افزاید و همچنین اینکه نمادهای این سه دفتر شناخته‌شده هستند نه ادعای به ضعف اندیشه و جهان‌بینی شاعر مربوط می‌شود. اندیشه و جهان‌بینی خاص، کلام خاص خود را می‌طلبد و در نهایت هم آن را



می‌یابد. خود فروغ هم بعدها این را دریافته بود. «من می‌گویم شعر مثل هر کار هنری دیگر، باید حاصل حس‌ها و دریافت‌هایی باشد که به‌وسیله تفکر تربیت و رهبری شده‌اند.» (طاهباز، ۱۳۷۶: ۳۸).

۳. ۱. مجموعه «اسیر»

موضوع اصلی و درون‌مایه این دفتر، اسارت در زندان و خانه است که از زبان دختری شانزده ساله بیان می‌شود. او خام است و تصور روشنی از آزادی ندارد و به‌درستی نمی‌داند چه می‌خواهد. شاید تنها می‌خواهد از سلطه مردان رها شود. «او اولین زنی است که با استفاده از شعر در برابر سنت مردسالارانه ایستاد و پایه‌های این سنت را در هم کوبید.» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۳۹). در تبوتاب بیان احساس خویش است و همه چیز را ساده و سطحی می‌بیند. در عین حال، همچون هر نوجوان دیگری عشق بر عقل او غلبه دارد؛ بنابراین پس‌زمینه‌ای عشقی در شعرها دیده می‌شود. جانوران این دفتر بیشتر پرندگان هستند. پرندگان در قفس مانده و پر و بال شکسته. و فروغ میان زندگی خود و این پرندگان شباهت‌هایی دیده است. وی خود را مرغی اسیر می‌داند. چند نمونه از شعرهای این دفتر و سپس جدول جانوران آن را می‌آوریم:

ای سینه در حرارت سوزان خود بسوز

دیگر سراغ شعله آتش ز من مگیر

می‌خواستم که شعله شوم سرکشی کنم

مرغی شدم به کنج قفس بسته و اسیر

(فرخزاد، ۱۳۶۸: ۲۸)

ترا می‌خواهم و دانم که هرگز

به کام دل در آغوش نگیرم

تویی آن آسمان صاف و روشن

من این کنج قفس، مرغی اسیرم

(فرخزاد، ۱۳۶۸: ۱۹)



جدول ۱. نمادهای جانوری در مجموعهٔ اسیر

مرغ	۶
پرنده	۱
آهو	۱

۳.۲. مجموعهٔ «دیوار»

ادامهٔ دفتر قبلی است. به مسائل خیلی ساده و ابتدایی نگاه می‌کند. اعتراض‌های او به وضعیت مردم و بالأخص زنان «غریزی، با دیدی محدود و بیانی احساساتی است.» (کراچی، ۱۳۷۶: ۴۲). مجموعهٔ دیوار از نظر تصویرسازی و سمبل و نمادپردازی از نام جانوران هم نکتهٔ جدیدی نسبت به دفتر قبلی ندارد. در این دفتر نیز غلبه با پرندگان است. شاعر که احساس اسارت می‌کند، آرزو دارد همچون پرندگان پری می‌داشت تا پرواز کند. در میان پرندگان هم کبوتر به تازگی وارد شعر شده است و توجه را به خود جلب می‌کند.

غم نیست گر کشیده حصارى سخت

بین من وتو پیکر صحراها

من آن کبوترم که به تنهایی

پر می‌کشم به پهنهٔ دریاها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی
 (فرخزاد، ۱۳۶۸: ۱۰۰)

عشق در شعرهای این دفتر نیز دیده می‌شود؛ اما غالباً عاشق و معشوق از هم جدا هستند و بنابراین حسرتی در شعرها دیده می‌شود. شاعر هم حسرت اسارت در قید و بندهای زندگی را می‌خورد و هم حسرت جدایی از یار.

جدول ۲. نمادهای جانوری در مجموعهٔ دیوار

کبوتر	۲
مرغ	۲
خروس	۱



۳.۳. مجموعه «عصیان»

شاعر «اسیر» پس از آن که «دیوار» را شناخت اکنون «عصیان» می‌کند. در این مجموعه، فروغی تغییر کرده دیده می‌شود. اگرچه تا اشعار دو دفتر بعدی هنوز راه زیادی مانده است. «موضوع «عصیان» شاعر بیان ساده‌اندیشه جبر است». (مشرف آزاد تهرانی، ۱۳۷۶: ۱۵۴).

در این دفتر فروغ به خدا، شیطان و مرگ توجه می‌کند. قبل از وی حلاج و عین‌القضات و برخی دیگر هم به شیطان تقدس داده بودند. در مقدمه این دفتر، قطعاتی از *تورات* را می‌آورد که در آنها حکایت از صفات قهریه خداوند است و این دفتر واکنشی در برابر آنهاست. بسامد بالای کلماتی مثل عصیان، خدا، شیطان، گور، مرگ، پوچ در این دفتر قابل توجه است.

عشق و دلدادگی البته از نوع زمینی آن و حسرت آزادی را خوردن، محور دو دفتر نخستین است؛ اما در *عصیان* همان‌گونه که از اسم آن پیداست با چیز دیگری مواجهیم. موازی با تغییر دید و جهان‌بینی فروغ، تصاویر و استعاره‌های او هم تغییر می‌کنند.

در این دفتر حضور «مار» محسوس است. علت آن را باید در توجه شاعر به ماجرای خلقت انسان و رانده شدن او از بهشت جست. در روایات مربوط به این داستان، مار نقش برجسته‌ای دارد که در نقش یک فریبکار ظاهر می‌شود و در رانده شدن آدم و حوا از بهشت مؤثر است. فروغ فرخزاد که در این زمینه مطالعاتی داشته و در ابتدای کتاب، آیاتی مربوط به این داستان را از قرآن و انجیل آورده است در شعرهایش هم مجال بیشتری به «مار» می‌دهد.

در سکوتِ معبدِ هوس

خفته‌ام کنار پیکر تو بی‌قرار

جای بوسه‌های من بروی شانه‌هایت

همچو جای نیش آتشین مار (فرخزاد، ۱۳۶۸: ۱۴۹)



در این دفتر برای اولین بار قارقارِ شوم کلاغ را می‌شنویم که حضور خود را در شعرهای دو دفتر بعد هم حفظ می‌کند. کلاغ‌ها در زمستان، درختان و آسمان را فتح می‌کنند.

لبریز گشته کاج کهن سال

از قارقارِ شوم کلاغان

رقصد به روی پنجره‌ها باز

ابریشم معطر باران (فرخزاد، ۱۳۶۸: ۱۳۸)

جدول ۳. نمادهای جانوری در مجموعه عصیان

۶	مار
۲	ماهی
۱	کلاغ
۱	گرگ
۱	پرنده
۱	گره
۱	سگ
۱	کبوتر

در مجموع آنچه در شعرهای این دفتر جالب توجه است، توجه به مار و نیز توجه بیشتر به حیوانات است تا پرندگان، برخلاف دو دفتر قبل که به پرندگان توجه کرده و در هر دفتر یک‌بار نام حیوانات را آورده بود. حیواناتی نظیر مار، گرگ، سگ، ماهی، گره در این دفتر مجال حضور می‌یابند. در دو دفتر قبل اندیشه ره‌اشدن داشت و عاشق بود و به پرواز می‌اندیشید؛ اما در این دفتر به جبر محیط توجه می‌کند و دیگر شور و حال گذشته را ندارد و بیشتر به حیوانات منفور می‌پردازد.

۴. ۳. مجموعه «تولد دیگر»



در این مجموعه با فروغی دیگر مواجه می‌شویم. بعد از پشت‌سر گذاشتن تجربیات مختلف، او اینک پخته شده و جهان‌بینی‌اش تغییر کرده است. او متحول شده و به درک اجتماعی رسیده است و دیگر آن جوان احساساتی نیست که تنها به موضوعات شخصی می‌پرداخت. این تغییر در نگاه - خواه نتیجه سفر به اروپا باشد یا آشنایی با ابراهیم گلستان یا حضور در محافل جدی‌تر شعر - به سود ادبیات معاصر فارسی شده است. در پی تغییر در جهان‌بینی او شعرش هم از نظر زبان و تکنیک تغییر می‌کند و فراتر از سه دفتر قبلی می‌شود. در این دوران، «شعر او از نظر گستردگی و به‌کارگیری نمادهای جدید اهمیت ویژه‌ای دارد.» (رحمانیان و عدل‌پرور، ۱۳۹۹: ۱۱۰). فاصله چهارساله میان این دفتر - که ۱۳۴۲ منتشر شد - با دفتر قبلی لازم بود تا فروغ به پختگی نسبی برسد. شاعر مورد علاقه فروغ در این زمان، نیما است. «نیما را به‌موقع شناختم». در واقع، او پس از پشت‌سر گذاشتن تجربه‌های مختلف، به نیما رسید و این درک و شناخت موجب پختگی کلام وی شد.

بسامد کلماتی مثل شب - در دفترهای قبلی مفهومی عاشقانه داشت اما اینک در زمینه‌ای اجتماعی به کار می‌رود - ، پرنده - این هم با تغییر مفهوم - ، ستاره، باد، ماه و ... در این دفتر قابل توجه است. در این دفتر پرندگان و حیوانات بسامد یکسانی دارند؛ هر کدام ۲۱ بار. «آنچه حائز اهمیت است، کاربرد مکرر بعضی از این جانوران در شعر اوست. شاعر بیشترین اشاره را در این میان، به پرنده و ماهی کرده است.» (ذوالفقارخانی، ۱۳۹۵: ۱۳۴).

بیشتر استفاده‌های فروغ از جانوران در این اشعار اجتماعی است؛ یعنی او برای بیان مفاهیم اجتماعی - که تحت تأثیر زمان و مبارزات و مطالبات مردم در شعر او وارد شده است - از جانوران بهره می‌گیرد و دیگر صرفاً قصد ندارد تنهایی و عشق خود را وصف کند.

چون برف می‌خوابید

در باغچه می‌گشتم افسرده

در پای گلدان‌های خشک یاس

گنجشک‌های مرده‌ام را خاک می‌کردم

(فرخزاد، ۱۳۶۸: ۱۵۸)



گوش دادم به همه زندگی‌ام

موش منفوری در حفرة خود

یک سرود زشت مهمل را

با وقاحت می‌خواند

(فرخزاد، ۱۳۶۸: ۱۷۳)

برده‌ها از بغضی پنهانی سرشارند

و کبوترهای معصوم

از بلندی‌های برج سپید خود

به زمین می‌نگرند

(فرخزاد، ۱۳۶۸: ۲۰۴)

جدول ۴. نمادهای جانوری در مجموعه تولدی دیگر

۶	ماهی
۴	کبوتر
۴	کلاغ
۴	پرنده
۴	موش
۳	اسب
۳	زنجره (سیر سیرک)
۲	پرستو
۲	قناری
۲	آهو



گنجشک	۲
بره	۱
غوک	۱
مار	۱
رتیل	۱
خرگوش	۱
بلبل	۲

۳. ۵. مجموعه «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»

این مجموعه پس از مرگ شاعر چاپ شد. شعرهای این مجموعه در سطح بالاتری نسبت به شعرهای «تولد دیگر» هستند. علت هم آن است که شاعر در اینجا به پختگی رسیده است و جهان بینی مخصوص به خود دارد. اگرچه از سال‌های پیش - سال‌های سرودن تولدی دیگر - «نیما» را شناخته بود ولی در این مجموعه نفوذ و تأثیر نیما را بیشتر می‌بینیم.

فروغ فرخزاد همچنان بدبین است؛ اما نوع بدبینی‌اش تغییر کرده و رنگ اجتماعی به خود گرفته است. بدبینی او قبلاً شخصی و متأثر از زندگی خود بود که شاعر آن را به شکل سطحی نشان می‌داد؛ اکنون بدبینی نسبت به جامعه و برخی افراد دارد و آن را به شکل عمیق و نمادینی بروز می‌دهد. این مسئله را در همه اجزای شعرش می‌توان دید و مثلاً از کلمات با بار منفی بیشتر بهره می‌برد.

جانورانی که در این مجموعه آمده‌اند تقریباً همان‌ها هستند که در دفتر قبلی هم آمده بودند. از جمله جانورانی که برای اولین بار وارد شعر شده‌اند می‌توان ملخ، پروانه، سوسک، کرم و را نام برد. در این دفتر غلبه با پرندگان است.

در کوچه باد می‌آید

کلاغ‌های منفرد انزوا

در باغ‌های پیر کسالت می‌چرخند

و نردبام



چه ارتفاع حقیری دارد.

(فرخزاد، ۱۳۶۸: ۲۲۸)

پرواز را به خاطر بسپار

پرندۀ مردنی است

(فرخزاد، ۱۳۶۸: ۲۵۳)

سکوت چیست، چیست، چیست ای یگانه‌ترین یار؟

سکوت چیست به جز حرف‌های ناگفته

من از گفتن می‌مانم، اما زبان گنجشکان

زبان زندگی جمله‌های جاری جشن طبیعت است

(فرخزاد، ۱۳۶۸: ۲۳۴)

جدول ۵. نمادهای جانوری در مجموعه ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد

۵	گنجشک
۳	پرندۀ
۲	مار
۲	ماهی
۲	سوسک
۱	قناری
۱	زنجره
۱	کلاغ
۱	گرگ
۱	خروس



ملخ	۱
سار	۱
پروانه	۱
حشرات	۱
کرم	۱
حیوان	۱

طاووسی معتقد است فروغ بعد از آن همه مصیبتی که از انسان‌ها دید، از طلاق گرفته تا بستری شدن در بیمارستان، جد شدن اجباری از فرزند، روسپی خواندندش و انگشت‌نماشدن توی جامعه، و هزاران مصیبت دیگر عشق را در شخصیتی ممنوع می‌بیند؛ اما بعد از چند سال متوجه می‌شود که این عشق هم واقعی نیست و به کتک‌کاری می‌کشد که در شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» به آن اشاره می‌کند. اینجاست که فروغ از انسان‌ها رانده و به حیوانات و گل‌ها و عناصر محیط زیست روی می‌آورد (طاووسی، ۱۴۰۰: ۱۶۰).

۴. نتیجه‌گیری

۱- فروغ فرخزاد در مجموع ۹۶ بار به جانوران اشاره می‌کند که «تولدی دیگر» با ۴۳ بار بیشترین و «دیوار» با ۶ بار کمترین بسامد را دارند.

۲- در میان جانوران، غلبه با پرندگان است؛ ۵۲ بار به پرندگان اشاره می‌کند و ۴۴ بار به حیوانات.

۳- در دفترهای اول و دوم غلبه با «مرغ» است. شاعر خود را مرغی اسیر می‌پندارد ولی در دفتر «عصیان» به علت اینکه موضوع عوض شده است و شاعر به خلقت انسان و زانده شدنش از بهشت اشاره می‌کند حضور «مار» چشمگیر است. در دفترهای بعدی جانوران بیشتری مجال حضور می‌یابند از جانوران برجسته دو دفتر آخر کلاغ، ماهی، موش را می‌توان نام برد.

۴- اما از نظر تصویرسازی و نمادپردازی سه دفتر اول چیز جدیدی ارائه نمی‌دهند و نمادها شناخته شده هستند و نگاه شاعر به جانوران همان نگاه کلاسیک است. درواقع او با چشم دیگران می‌بیند و هنوز «دیدن را جایگزین شنیدن» نکرده است. ولی در دو دفتر بعد تشخیص می‌یابد و نگاه ویژه خود را پیدا می‌کند و کارهایی ارائه می‌دهد در خور توجه.



۵- متناسب با موضوع و زمینه اشعار، رویکرد شاعر به جانوران متفاوت است؛ اما به‌طور کلی فروغ فرخزاد از جانوران برای بیان واقعیت‌های زندگی شخصی و اجتماعی خود استفاده می‌کند و دیدگاهش عارفانه نیست.

با توجه به سیر تحول شعر فروغ فرخزاد و جست‌وجو و مطالعه مداوم وی، می‌توان گفت شاید اگر بیشتر عمر می‌کرد، افق‌های روشن‌تری را برای شعر معاصر ترسیم می‌کرد؛ اما همین مقدار شعر سخته (به‌ویژه در تولدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد) کافی است تا ایمان بیاوریم به شعر فروغ فرخزاد.





منابع

اسعد گرگانی، فخرالدین (۱۳۴۹). *ویس و رامین*، تصحیح ماگالی تودوا و الکساندر گواخاریا، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ.

اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۶۸). *ماجرای پایان‌ناپذیر حافظ*، تهران: یزدان.

اکبری بیرق، حسن؛ و اسدیان، مریم (۱۳۹۳). *بررسی تطبیقی کاربرد اسطوره و کهن‌الگو در شعر فروغ فرخزاد و گلرخسار صفی‌آوا (شاعر تاجیک)*، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره دوم، شماره اول (پیاپی شماره سوم)، صص ۱۶۱-۱۹۲.

جلالی، بهروز (۱۳۷۶). *در غروب ابدی*، تهران: مروارید.

دولت‌آبادی، محمود (۱۳۸۲). *قطره محال‌اندیش*، تهران: چشمه و فرهنگ معاصر.

ذوالفقارخانی، مسلم (۱۳۹۵). *زیست‌بوم در شعر فروغ فرخزاد براساس نظریه بوم‌فمینیسم*، فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۱۵-۱۴۲.

رحمانیان، زینب؛ و عدل‌پرور، لیلا (۱۳۹۹). *نمادگرایی در اشعار فروغ فرخزاد*، نشریه نقد، تحلیل و زیبایی‌شناسی متون، سال سوم، شماره ششم، صص ۹۵-۱۱۲.

زرقانی، سید مهدی (۱۳۸۳). *چشم‌انداز شعر معاصر ایران*، تهران: ثالث.

سلامت‌نیا، فریده؛ خیرخواه برزکی، سعید؛ و مدرس‌زاده، عبدالرضا (۱۳۹۸). *تطبیق جاندارانگاری حیوانی و انسانی در اشعار فروغ فرخزاد و نازک‌الملاتکه*، مطالعات هنر اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۳۴، صص ۲۴۰-۲۵۷.

سیپک، ییری (۱۳۸۹). *ادبیات فولکلور ایران*، ترجمه محمد اخگری، تهران: سروش، سوم.

طاووسی، سهراب (۱۴۰۰). *اندوه خاک؛ محیط زیست در شعر معاصر ایران*، تهران: آفتاب‌کاران، اول.

طاهباز، سیروس (۱۳۷۶). *زنی تنها*، تهران: زریاب.

عاملی‌رضایی، مریم (۱۳۸۳). *صورخیال در شعر فروغ فرخزاد*، تهران: شور.



فتوحی، محمود (۱۳۸۶). *بلاغت تصویر*، تهران: سخن.

فرخزاد، فروغ (۱۳۶۸). *مجموعه اشعار*، آلمان غربی: نوید.

کوپر، جی.سی (۱۳۸۰). *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرشاد.

مشرف آزاد تهرانی، محمود (۱۳۷۶). *پریشادخت شعر*، تهران: ثالث.

میرصادقی، میمنت (۱۳۷۶). *واژه‌نامه هنر شاعری*، تهران: کتاب، مهناز، دوم.





Animal appearance in Forough Farrokhzad's poetry

Dr Yousof Karamichemeh¹

Abstract

Animals have always played a colorful role in Persian literature, and poets and writers have mentioned animals in different times and according to the requirements of the times. Forough Farrokhzad used animals like many other phenomena and expressed his content. In the beginning, when his independent and special poetic character was not formed (Asir and Divar), he often mentioned the old and repeated simile of a person (poet, lover) to a chicken and he has seen himself as a captive chicken caught in love's trap. Gradually and as a result of more studies and experiences, Farrokhzad's poetic character is formed and another Forough appears in the following poetry notebooks; This means that his thought has been transformed and his personal self has turned into a social and human self. Accordingly, his view of animals has changed, and other animals such as snakes, crows, mice, etc. have appeared in his poetry. In this article, the obvious signs of the presence of animals in Forough Farrokhzad's poetry have been discussed using library sources and in a descriptive-analytical way.

Keywords: Forough Farrokhzad, animals, allegory, symbol.

¹ . Language and Literature Department - University of Police.Tehran Iran // ykaramicheme@yahoo.com